

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجاب

دوره ششم، شماره دهم

دوره ششم، شماره دهم / ۳

نام جزوه: حجاب

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

[www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

## فهرست مطالب

۵.....	مقدمه
۶.....	تعریف حجاب
۷.....	حجاب از دیدگاه عقل و شرع
۹.....	برهان عقلی حفظ حجاب
۱۱.....	برهان استقلالی بر حفظ حجاب
۱۳.....	انحراف در غریزه جنسی
۱۷.....	حجاب از دیدگاه شرع
۲۰.....	پوشش اسلامی از لحاظ شرع
۴۶.....	موقعیت زن در اجتماع

## مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی پیش بینی می شد، جامعه به ارزش های والای انسانی - که اسلام بیانگر آن است - روی آورد و عظمت از دست رفته خود را بازیابد. اگر چه بسیاری از آداب و سنتهای مبتذل غرب را کنار گذاشته و بسیاری از افراد جامعه به دنبال تحوّل بعد از انقلاب به خود انسانی خویش بازگشتند؛ اما افرادی هم وجود دارند که ارزشهای مطرح شده از انقلاب اسلامی را نادیده گرفته و اصرار دارند که با همان آداب و با همان روش، خود را بیارایند و در اجتماع ظاهر شوند.

بعد از گذشت چندین سال از پیروزی انقلاب اسلامی، آیا وقت آن نرسیده اینان نیز به خود آمده و

حقایقی که زنجیر هوای نفس را از گردنها فرو نهند روی آورند؟ و آیا وقت آن نرسیده که اینان تسلیم شرع و عقل شوند؟

در این مقال برآنیم که مسأله مهم حجاب را از دیدگاه عقل و شرع مطرح سازیم تا کسانی که متعبد به تکالیف شرعی هستند برهان شرعی و عقلی آن را بدانند و آنانی که ارجی به اسلام نمی گذارند، به ندای عقل پاسخ گفته و به حجاب که حافظ و پاسدار ارزشها و اصالت‌های اسلامی انسانی یک زن است، روی آورند.

### تعریف حجاب

حجاب عبارت است از این که زن، خود را از نامحرم بپوشاند به گونه ای که اگر پشت پرده قرار

دوره ششم، شماره دهم / ۷

می گرفت، عضو و برآمدگی یی از او دیده نشود و جلب توجه نمی کرد و منظور از ستر - که در کتب فقهی - ذکر شده همین است، البته استثنائاتی وجود دارد که در جای خود بیان خواهد شد.

### حجاب از دیدگاه عقل و شرع

- بدون تردید آنچه در فقه اسلام بیان شده است؛ گزاف و بی حساب نیست. بلکه تابع مصالح و مفاسدی است که در متعلق هر حکمی وجود دارد. حرمت شراب، دروغگویی، خیانت در امانت و... به جهت مفاسدی است که در آنها وجود دارد؛ و وجوب نماز، روزه، حج و... به دلیل مصالحی است که در آنها موجود می باشد.

- همچنین واجب بودن حجاب و پوشاندن بدن بیهوده نبوده، بلکه به اقتضای مصلحت فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... بوده که مورد توجه خدای متعال نیز قرار گرفته است و امر بدان تعلق گرفته است.

- همچنان که ترک آن دارای مفسدتی است که ملاک نهی از طرف شارع مقدّس بوده و مورد قرار گرفته است.

- لازم به ذکر است که عقل به لحاظ محدودیت و بدان جهت که در محاصره غرایز، احساسات، خواسته های نفس و... قرار گرفته، قادر نیست، به همه مصلحتها و مفسده ها پی برده و علت حقیقی واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح بودن



دوره ششم، شماره دهم / ۹

احکام را کشف کند - اگر چه به نحو جزئی آن هم در برخی از احکام چنین کشفی دارد - و اغلب آنچه به عنوان فلسفه احکام از دید عقل بیان می شود به عنوان حکمت است نه علّت.

### برهان عقلی حفظ حجاب

**حکم عقل در مورد حفظ حجاب دوگونه است:**

۱ - خدا امر فرموده است که زن خود را از نامحرم بپوشاند. آیاتی از قرآن<sup>۱</sup>، بیانگر امر فوق است؛ و از آنجا که خدا مالک انسان است، عقل حکم به اطاعت از مولا و مالک می کند<sup>۲</sup>. پس زن باید بنا به

---

۱. سوره احزاب، آیه ۵۸ و سوره نور، آیه ۳۰.

۲. قرآن ارشاد به حکم عقل کرده و می فرماید: **أَطِيعُوا اللَّهَ ...** (سوره نساء، آیه ۵۹).

حکم عقل که امر به اطاعت از فرمان خدا می کند خود را از نامحرم بیوشاند. این دلیل، برای زن مسلمان متعبد بسیار عالی است؛ او در مقابل این دلیل خاضع است، هر چند ممکن است به معیار و حکمت و جوب حجاب و حرمت بی توجه نداشته باشد.

۲ - حکم دیگر عقل درباره حفظ پوشش صحیح، حکمی استقلالی است. بدین معنا که به حکم شارع حکیم توجه نداشته باشد و خود به این حقیقت نائل شده است که: بر زن لازم است حجاب داشته باشد. عقل برای حکم خودش مقدماتی را فراهم می کند و پس از روشن شدن مقدمات به نتیجه گیری می پردازد.

دوره ششم، شماره دهم / ۱۱

### برهان استقلالی بر حفظ حجاب

انسان عاقل، با ترک شهوت و هرگونه وابستگی نادرست شهوی است که به رشد و کمال می رسد.

- ترک پوشش محرک شهوت است و باعث حاکمیت غریزه بر عقل و مانع رشد و کمال انسانی است؛ و هر چیزی که مانع ظهور انسانیت باشد. باید کنار گذاشته شود.

- اما حفظ حجاب، جلوی بسیاری از تحریکات شهوی و هوی و هوس را خواهد گرفت و رضای غریزه را در کانال قانونی آن هدایت خواهد کرد.

لذا به حکم عقل، هر چیزی که شرط لازم برای کمال و رشد می باشد باید اجرا شود، پس حفظ

حجاب به عنوان شرط لازم عفت و حیا و نابودی فحشاء باید رعایت شود.

**سؤال:** این که ترک پوشش، عامل فحشاء و رعایت صحیح و کامل حجاب شرط لازم برای منع حرکت‌های جنسی است، چگونه برای عقل روشن شده است؟

**پاسخ:** عقل برخی از ابزار کارش را در بعضی از موارد به واسطه تجربه به دست می آورد.

- نگاهی به جوامع به اصطلاح پیش رفته و کشورهای در حال توسعه بیندازید؛ خیلی دور نروید. قدری به عقب برگردید (به رژیم گذشته) و نظری به شمال تهران، خیابان لاله زار، گمرک و... بیندازید یک سری هم به کنار دریا بنزید! نه خیلی

دوره ششم، شماره دهم / ۱۳

لازم نیست به عقب برگرد، همین الان یک نگاه عیрт انگیز به خانواده های لاابالی و بی حجاب یا بد حجاب بکنید! همه چیز برایتان روشن خواهد شد!

### انحراف در غریزه جنسی

مورد دیگری که عقل به طور مستقل وارد شده و حکم به پوشش کامل می کند، جایی است که انحراف در غریزه جنسی دیگر ایجاد شود. اعتدال در غرایز و هماهنگی آنها با قوای نفس از شرایط لازم رشد و کمال نفس است، غریزه جنسی در صورتی وسیله رشد و کمال خواهد بود که با توجه به موقعیت دیگر و غرائز و قوا هماهنگ با آنها ارضاء شود. این اعتدال و هماهنگی در

پی اجرای یک برنامه صحیح - که تمام ابعاد وجودی را مورد نظر توجه قرار داده باشد - به وجود می آید. لذا برنامه ای که گزینه جنسی را از طریق اعتدال خارج کند، مسأله ای ضدّ رشد خواهد بود و چنین برنامه ای محکوم است. عدم پوشش یا پوشش غیر مناسب، از عواملی است که سبب انحراف گزینه در زن و تحریک گزینه جنسی در مرد شده و موجبات سقوط و انحطاط را پدید آورده و جلوی رشد و کمال انسانی را می گیرد.

آیا می توانید به عنوان نمونه زن بی حجابی را معرفی کنید که:

۱ - خود به مقام انسانی رسیده باشد.

دوره ششم، شماره دهم / ۱۵

۲ - فرزندان و نسل سالمی را - که از انحراف

مادّی، سیاسی، جنسی، به دور باشند - پرورش داده  
باشد. (با چشم پوشی از آنانی که در مراکز تربیتی به  
رشد انسانی راه یافته اند).

۳ - سبب انحراف جوانان نشده باشد.

۴ - حرمت قیام مردم و خون شهدا و نظام

اسلامی را نگاه داشته باشد.

۵ - و...

به هر حال بی حجابی و بدحجابی یکی از

عوامل ایجاد کننده انحراف در غریزه جنسی است؛ و

انحراف در غریزه جنسی در میان قوای نفس

ناهماهنگی به وجود آورده و جلوی اصل رشد و

کمال را می گیرد؛ و هر عاملی که مانع رشد و کمال

انسانی باشد در دستگاه عقل و نزد عُقلا محکوم است پس عقل بی حجابی و بدحجابی را محکوم می کند. صحت مطالب فوق متکی بر این نکته است که ما کمال و رشد انسانی را یک حقیقت معنوی بدانیم و برای انسان مرتبه ای فوق مرتبه جسم، نبات و حیوان قایل باشیم. قضاوت ما در برخورد با مسائل و تجزیه و تحلیل آنها، از دیدگاه وجودی باشد که دارای فطرت توحیدی، حریت، کمال خواهی و معرفت طلبی است؛ ولی اگر اساس زندگی را بر بُعد مادی و حیوانی قرار دهیم و از این دیدگاه به انسان و دنیا بنگریم مسائل عقلی هیچ معنا و مفهومی نمی تواند داشته باشد.



دوره ششم، شماره دهم / ۱۷

## حجاب از دیدگاه شرع

قبل از بیان دیدگاه شرع، این مطلب لازم به ذکر است که دین رابطه مستقیم با دستگاه عقلانی انسان داشته و بُعد حیوانی و نباتی وجود انسان قابلیت پذیرش مذهب را ندارد.

آنان که از بُعد حیوانی به دین می نگرند، میل و رغبت به دینداری ندارند، زیرا آزادی غرایز (غریزه جنسی، غضب، خواسته های تن و...) در نفی دین است، آنچنانکه رهایی عقل و حریت آن در پرتو دین و انجام تکالیف و وظایف دینی است. آنان که از پشت عینک غرایز به مسائل دینی می نگرند و آنها را تجزیه و تحلیل می کنند، انسان را اسیر می بینند. این یک حقیقت است که دین بُعد حیوانی انسان را به بند

می کشد و کنترل می کند؛ ارضای خواسته های آن را از راه های غیر شرعی حرام می داند. اغلب آنهایی که انتقاد به مسایل دینی دارند و آنها را قابل اجرا نمی دانند، برای همین است که حقایق مذهبی را در دستگاه خواسته های حیوانی تحلیل می کنند.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله)

فرموده اند:

«إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلُّهُ بِالْعَقْلِ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا

عَقْلَ لَهُ»<sup>۱</sup>. تمام خیر، منحصرأ در عقل قابل درک

است؛ و هر کس که عقل ندارد، دین ندارد.

دوره ششم، شماره دهم / ۱۹

این حدیث مؤیدی قوی برای اثبات مطلب فوق است، که انسان تنزل یافته در مرحله حیوانیت دین ندارد، زیرا دین در مرحله عقل مطرح می شود. امام علی ابن ابیطالب (علیه السلام) فرموده اند: «رَأْسُ الدِّينِ مُخَالَفَةُ الْهَوَى»؛<sup>۱</sup> اساس دین، مخالفت با هوای نفس است؛ این روایت بیانگر آنست که دین محدود کننده خواسته های حیوانی است.

نتیجه این که: ما باید دین را از دیدگاه عقل بررسی کنیم نه از پشت عینک هواهای نفسانی تأکید مذهب بر حجاب نیز باید از همین دیدگاه ارزیابی شود؛ والا فریاد بُعد شهوانی اینست که: چادر را از

---

۱. شرح غرر و درر آمدی، ج ۴، ص ۵۳.

سر زن بردارید؛ بگذارید زن عریان به خیابان بیاید  
و...! مانع تمتعات زن از مرد و مرد از زن نشوید  
و...!

پوشش اسلامی از لحاظ شرع

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلْأَزْوَاجِ كَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ  
يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا  
يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً»؛ ای پیامبر، به زنان  
و دختران خود و به زنان مؤمنین بگو تا خود را به  
وسیله جامه ای که تمام بدن آنها را فراگیرد بپوشانند  
(به نحوی که جایی از بدنشان در منظر و دید  
نامحرمان نباشد.) این نزدیکترین چیزی است که آنها

دوره ششم، شماره دهم / ۲۱

به عنوان اهل عفت شناخته شوند، پس (در این صورت، افراد هرزه) متعرض آنها نمی شوند و اذیتشان نمی کنند.

در مورد کلمه «جَلْبَاب» گفته شده است:

«الْجَلْبَابُ: الرِّدَاءُ الَّذِي يَسْتُرُ مِنْ فَوْقِ الْيَسْرِ  
أَسْفَلَ أَوْ كُلِّ مَا يُسْتَتَرُ بِهِ مِنْ كِسَاءٍ أَوْ غَيْرِهِ وَجَمْعُهُ  
جَلَابِيبٌ»<sup>۱</sup> «جَلْبَاب» روپوشی است که از بالا تا  
پایین را می پوشاند. یا هر چیزی که بدن به سبب آن  
پوشیده می شود. خواه کساء باشد یا غیر آن؛ و جمع  
آن «جَلَابِيبٌ» می باشد.

در معجم الوسيط آمده است:

---

۱. معجم الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۲۱۲.

«جلباب» پیراهن و یا جامه ای است که تمام لباسهای بدن را فرا می گیرد.

به هر حال آیه دلالت دارد بر این که زنان باید از روپوش کامل جهت پوشش تمام بدن و اندام استفاده کنند؛ پوششی که مُعْرِفِ شخصیت و عفتِ زنِ مؤمن باشد. این موجب می گردد که افراد لایبالی جرأت نکنند به او جسارت کرده و به دید شهوت و هوسرانی به او بنگرند.

در سبب نزول آیه فوق چنین بیان داشته اند: که زنان برای نماز به مسجد می آمدند و نماز را به امامت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به جای می آوردند. شب که برای نماز مغرب و عشاء از خانه خارج شده و بیرون می آمدند جوانها بر سر راهشان

دوره ششم، شماره دهم / ۲۳

می نشستند و متعرض آنان شده، اذیت می کردند.  
این آیه برای جلوگیری از این عمل زشت نازل شد.

از مطلب فوق استفاده می شود که علت  
گستاخی جوانان نبودن پوشش کامل زنها بوده است:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ  
يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا  
وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ...»<sup>۱</sup> (ای پیامبر)

به زنان با ایمان بگو، دیدگان خویش را (از مردان  
نامحرم) فرو خوابانند و نهان جای و دامن خویش را  
(از پلیدی) محفوظ داشته و مواضع زیور و آرایش  
خود را ظاهر نسازند. مگر آنچه از آن (مواضع) ظاهر  
است؛ (مانند وجه و کفین) و گریبان و سینه خویش

را با مقنعه و سرپوش بپوشانند. در آیه فوق یک استثناء وجود دارد و آن «**إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا**» است که به نظر اکثر علما حمل برگردی صورت و دو دست (از مچ تا سر انگشتان) می شود؛ و فتوای امام خمینی (قدس سره) هم همین است<sup>۱</sup>.

در «**عروۃ الوثقی**» نیز چنین آمده است: «بر زن واجب است که تمام بدنش را به جز چهره و دو دست (از نوک انگشتان تا مچ) را از نامحرم بپوشاند؛ اما شرط عدم پوشش برای چهره و دو کف دست این است که عریان بودن آن دو به جهت لذت بردن

۱. «پوشاندن تمام بدن به جز وجه و کفین برای زن واجب است» رساله امام خمینی، ص ۳۶۳، چاپ اسفند ۱۳۶۲، نشر



دوره ششم، شماره دهم / ۲۵

و ریب نباشد<sup>۱</sup>. در غیر این صورت، پوشش آنها هم واجب است و نظر کردن (از روی لذت و ریب) حرام است؛ و این جا استثناء نیست، حتی افراد مَحْرَم نیز باید با وجود لذت و ریه چشم فرو بندند و از یکدیگر بیپوشانند؛ و احتیاط این است که زن، از ناف تا زانوی خود را از محارم بیپوشاند (خواه لذت و ریبی در کار باشد یا نباشد) چنان که احوط پوشاندن چهره و دو دست از نامحرم است (خواه لذت و ریبی باشد یا نباشد)<sup>۲</sup>.

این مطلب لازم به ذکر است که اگر چه بر اساس فتوای علما، آنچه از پوشش بر زن واجب

---

۱. نگاه از روی شبهه (نگاه شهوت آلود).

۲. عروة الوثقی، باب ستر و ساتر، ص ۱۸۴.

است، پوشاندن تمام بدن به جز دستها از سرِ انگشتان تا مچ و گردی صورت می باشد، لکن گاهی لازم است که خانمها حتی همین مقدارِ استثناء شده را بپوشانند و بعد در جمع نامحرمان داخل شوند. زیباییِ چهره آن گاه، که فردی را بفریبد و فساد فرد و اجتماع را به دنبال داشته باشد و سبب لذت و ریه و شهوت شود، به عنوان مقدمه حرام و فساد باید پوشیده شود. معیار در احکام اسلامی مصالح و مفاسد در متعلقات احکام است. نفسِ چنین معیاری عقلی است، خواه عقل آن مصالح و مفاسد را درک کند یا نکند.

حکم پوشش از جانب اسلام برای زن به خاطر مصالح اجتماعی و بدان جهت است که مفاسدی را به

دوره ششم، شماره دهم / ۲۷

وجود نیاورد. پوشش زن باید به نحوی باشد که مصلحت فردی و اجتماعی را در بر داشته باشد. لباسهای جلف و نازک با شکلهایی - که نظرها را به خود جلب و خواهش نفسانی را برانگیزد - در اصطلاح شرع و دین، حجاب و ستر محسوب نمی شود. لذا در رساله امام - خمینی (قدس سره) در پاسخ این سؤال که: «حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست... و اصولاً چه کیفیتی در پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟» آمده است: «واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دستها تا مچ، از نامحرم پوشیده شود و لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند مانع ندارد؛ ولی پوشیدن

چادر بهتر است و از لباسهایی که توجّه نامحرم را جلب کند، باید اجتناب شود»<sup>۱</sup>.

در آیه ۳۰ از سوره نور، پس از آن که خداوند تکلیف زنان را در پوشش اسلامی روشن می نماید، به مطالب دیگری نیز اشاره می نماید که به ترجمه آن می پردازیم:

«زینت و زیبایی خود را ظاهر نسازند، مگر برای شوهران، یا پدران، یا پدران شوهران، یا فرزندان خود، یا فرزندان شوهران خود، یا برادران خود، یا پسران برادران خود، یا خواهرزادگان، یا زنان خود (یعنی زنان مسلمان) و یا کنیزان ملکی خویش و یا اتباع (مردانی که حاجت و رغبت به زن ندارند) و

دوره ششم، شماره دهم / ۲۹

اطفالی که هنوز بر نهان جای و عورات زنان آگاه نیستند و آن طور پای بر زمین نکوبند(و قدم بر ندارند) که زیور پنهانشان معلوم شود. ای گروندگان به خدا، همگی به سوی خدا توبه کنید. باشد که رستگار شوید».

نکته ای که ذکر آن ضروری می نماید این است که نظر و پوشش در اسلام فقط اختصاص به زن ندارد، بلکه مردان هم در نوع نظر و پوشش مورد خطاب قرآن می باشند. آنجا که می فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا  
فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»؛  
(ای پیامبر)، به مؤمنین بگو: از دیدگان خویش را فرو

خوابانند (و به نامحرم نظر نیندازند) و عورات (نهان جای) خود را از نظرها بپوشانند. این برای آنان پاکیزه تر است، زیرا خدا آگاه است به آنچه می کنند. پس، مرد مسلمان نیز باید نهان جای خود را بپوشاند؛ و از پوشیدن لباسهایی که هوسها را برمی انگیزد جداً اجتناب نماید. زیرا پوشیدن لباسهای جلف و شهوت انگیز مقدمه فساد در اجتماع است و مقدمه حرام از نظر شرع حرام می باشد.

نگاه به نامحرم

اگر چه اسلام به زن اجازه داده است که کفّین و چهره او ظاهر باشند، ولی از نگاه نامحرمان به یکدیگر و محرمها به نحو شهوت آلود نهی فرموده و برای آن عذاب دردناکی را وعده داده است؛ و نیز

دوره ششم، شماره دهم / ۳۱

برای کسانی که از نگاه شهوت آلود بپرهیزند، وعده ثواب عظیم داده است. در این مورد به بیان چند روایت می پردازیم.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله)

فرموده اند:

«مَنْ مَلَأَ عَيْنَهُ مِنْ حَرَامِ مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ وَ يَرْجِعَ»؛ کسی که چشمش را از حرام پر کند، خداوند روز قیامت چشمش را از آتش پر می کند؛ مگر این که توبه نموده و بسوی (نیکی و) رضای خدا بازگردد.

و نیز فرموده اند: «الْأَنْظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ

إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَغْطَاهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ

حَلَاوَتُهُ فِي قَلْبِهِ»<sup>۱</sup>؛ نگاه (به نامحرم) تیری مسموم از تیرهای شیطان است، پس کسی که آن را برای خوف و ترس از خدای عزوجل ترک کند، خداوند ایمانی به او عطا کند که شیرینی آن را در قلبش بیابد. امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «الْنَّظْرَةُ بَعْدَ النَّظْرَةِ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً»<sup>۲</sup>؛ نگاه (شهوة آلود) بعد از نگاه، شهوت را در قلب می افشاند و کافی است که نظر کننده را در بلا و گرفتاری و گناه بیندازد.

### چند مسأله از عروة الوثقی

۱. میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۷۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۹.



دوره ششم، شماره دهم / ۳۳

نگاه کردن به نامَحْرَم - خواه مرد به زن نامَحْرَم و زن به مرد نامحرم - جایز نیست، مگر این که ضرورتی باشد؛ و گروهی از فقها، گردی صورت و سر انگشتان تا میچ دست را استثناء کرده و چنین بیان داشته اند که نظر به این دو مورد، در صورتی که همراه با لذت و ریه نباشد جایز است؛ و گفته شده که نظر به آن دو مورد فقط یک مرتبه جایز است و تکرار جایز نیست. ولی احوط این است که به طور مطلق حتی یک مرتبه نیز نگاه نکنند - خواه التذاذی در کار باشد و یا نباشد - ولی نظر به محارم که نکاح آنان حرام دائم است، خواه نسبی یا رضاعی یا مصاهره، غیر از عورت (نهان جای) حرام نیست، ولی در صورت التذاذ و ریه به هیچ وجه جایز نبوده و

حرام است. همچنین نگاه زنان به مردان مَحْرَم در صورتی که به غیر عورت و غیرالتذاذ ریبه و باشد - جایز است<sup>۱</sup>.

### حجاب در دیدگاه غرب و شرق

اگر پا به جامعه غرب بگذاریم و با دقت، در رفتار و گفتار و روابط اجتماعی آنان بنگریم، حیات اجتماعی و فردی را بر دو محور استوار خواهیم یافت:

۱ - احساس و تجربه.

۲ - شهوت و ارضای امیال حیوانی.

---

۱. عروة الوثقی، ص ۶۲۶ - ۶۲۵، مسأله ۳۱ و ۳۲

دوره ششم، شماره دهم / ۳۵

پراگماتیسم، شناخت تجربی را محور واقعیت  
قرار داد و فرویدیسم غریزه جنسی را.

دنایای غرب که از کلیسا سرخورده شده بود و  
مسایل خشک و بی پایه آن را نمی توانست تحمل  
کند، به استقبال این دو شتافت و مسایل کلیسایی را  
در یک چهاردیواری محبوس کرد و به یک زندگی  
ماشینی و مادی همراه با آزادی شهوی روی آورد و  
حیاتی بر اساس شهوت و احساس بنیان نهاد.

در دیدگاه شهوی غرب، «حجاب»، به اسارت  
کشیدن زن و علت سرخوردگیهای شهوی است و  
عقده حقارت به دنبال می آورد. بنابراین معتقدند که:  
برای این که جلوی عقده حقارت را بگیریم باید زن

و مرد را در خواسته های جنسی و هواهای نفسانی کاملاً آزاد بگذاریم.

و «فروید و اتباع او، مدعی هستند که اخلاق کهن را در امور جنسی باید واژگون و اخلاق جدیدی را جایگزین آن نمود. به عقیده فروید و اتباع وی، اخلاق جنسی کهن بر اساس محدودیت و ممنوعیت است و آنچه ناراحتی بر سرِ بشر آمده از ممنوعیتها، محرومیتها، ترسها و وحشتهای ناشی از این ممنوعیتها - که در ضمیر باطن بشر جایگزین گشته - شده است»<sup>۱</sup>.

معنای از بین بردن ممنوعیت این است که حیا و عفت و ارضای شهوت از طریق ازدواج مشروع را

---

۱. اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ص ۱۹.

دوره ششم، شماره دهم / ۳۷

از میان بردارند و به زنان آزادی بدهند که با آرایش و قیافه مهیج شهوت به اجتماع وارد شوند؛ و به مردان اجازه دهند آن طور که می خواهند با زنان معاشرت داشته باشند.

البته بر مبنای احساس گرایی - و استخدام آن در بُعد حیوانیت - و شهوت گرایی، ایده ای جز آزادی شهوت نمی توان داشت؛ و آگاهی ما از انسان بیش از این نخواهد بود که او را در یک حیوان شهوی خلاصه کنیم. آن چنان مبنایی این چنین نتیجه ای خواهد داد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در یک جمله کوتاه پاسخ این عقیده را داده اند:

«عَبْدُ الشَّهْوَةِ أَدْلُّ مِنْ عَبْدِ الرَّقِّ»<sup>۱</sup>؛ بنده

خواسته های نفسانی، ذلیل تر از بنده زر خرید است.  
چرا ذلیل تر نباشد، در صورتی که او جسمش  
در بند است و این روح و جانش به زنجیر شهوت  
بسته شده است.

اعتراض ما به غرب این است که چرا به نام  
آزادی و تمدن عظمت انسانی را قربانی شهوت و  
حیوانیت کرده و به دید حیوانی به او می نگرد؟!  
ای زنان با عفت ایرانی، آیا این طرز فکر به نفع  
شماست یا به ضرر شما؟ قضاوت را به خودتان  
واگذار می کنیم.

دوره ششم، شماره دهم / ۳۹

در این جا به این نکته اشاره می کنیم که آزادی زن در غرب، آزادی در سرنوشت، عقیده، سیاست، تفکر و اقتصاد نیست؛ بلکه آزادی در شهوت و آلت هوسرانی مرد قرار گرفتن است. این گونه آزادی بر پایه همان بینشی است که می گوید:

اساس شناخت تجربه و حس و اساس محور حیات انسانی، غریزه جنسی است. در صورتی که اسلام در جبهه مقابل این بینش قرار داشته و بیان می دارد:

«مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانَ حُرًّا»؛ کسی که

خواسته های نفسانی را ترک کند (و در ارضای آنها قانون شرع را مراعات نماید) آزاد مرد است.

آزادی، در بندگیِ شهوت نیست. آزادی، در عبودیتِ خداوند است.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «مَنْ قَامَ بِشَرَائِطِ الْعُبُودِيَّةِ أَهْلٌ لِلْعِتْقِ»؛ کسی که به شرایطِ بندگیِ تن داد شایسته آزادی است.

دولت‌های غربی نه تنها به نام آزادیِ شهوی، افکار ملت‌های خویش را به بند کشیدند و عزت و عظمت انسانی و معنوی را از آنها گرفتند، بلکه برای به زیر سلطه کشیدن ملت‌های شرق نیز از همین روش استفاده کردند؛ و ملت‌های مسلمان و غیر مسلمان را عملاً به این بینش پوچ و بیهوده سوق دادند. شکست مسلمانان در اندلس (اسپانیا)، عقب ماندگی مسلمانان



دوره ششم، شماره دهم / ۴۱

و مستعمره بودن ممالک اسلامی نتیجه شوم این بینش غربی است. با این تفاوت که غرب در پرتو احساس گرایی، اگر چه خدا و معنویت را از صفحه زندگی خارج ساخت ولی با تلاش دانشمندان به دنیای صنعت و تکنیک قدم گذاشت و در دنیای مادیّت برای خود اعتباری کسب کرد؛ اما در کشورهای اسلامی کوشیدند با تبلیغ احساس گرایی و آزادی شهوت، خدا و قرآن را از صحنه حیات بشری خارج کنند؛ ولی دیگر اجازه تلاش و اکتشاف را به آنها ندادند تا خریدار و مصرف کننده خوبی برای کالاهای غربی باشند چنان که قبول کنندگان خوبی در بینش مادیگرایی و شهوت گرایی گردیدند.

نظر خوانندگان محترم را به یک داستان تاریخی جلب می‌کنیم، که شاهدگویایی است بر این که آزادی شهوی با یک ملت چه می‌کند و در این رابطه کشورهای شرقی و آمریکای لاتین نمونه بارزی هستند که امروز مشاهده می‌کنیم.

«در داستان موسی بن عمران (علیه السلام) آمده، او با تلاشهای پیگیر خود بتدریج بر ستمگران پیروز شد و پرچم توحید و عدالت را در نقاط مختلف زمین به اهتزاز درآورد... موسی (علیه السلام) برای نجات ملت انطاکیه<sup>۱</sup>، راهی جز سرکوبی ستمگران و فتح آن نمی‌دید، برای اجرای این امر سپاهی به

---

۱. در متن عربی (اریحا) آمده است که بعضی آن را به انطاکیه ترجمه کرده‌اند.

دوره ششم، شماره دهم / ۴۳

فرماندهی یوشع و کالب تشکیل داد و با آن سپاه بسوی انطاکیه رهسپار گردید. عده ای از مردم نادان و بی خبر و اغفال شده انطاکیه به یکی از دانایان خود گفتند که موسی (علیه السلام) آمده است تا ما را بکشد و از دیارمان خارجمان گرداند، چاره ای بیاندیش. او پس از انجام دادن کارهایی و نتیجه نگرفتن از آنها چنین گفت: که ما، جز مکر و حيله راهی نداریم؛ پس برای سرکوبی سپاه موسی (علیه السلام) راه عجیبی را به مردم انطاکیه پیشنهاد کرد - که همواره برای شکست هر ملّتی استعمارگران از همین راه استفاده می کنند - و آن این بود که، مردم انطاکیه از راه اشاعه فحشا و انحراف جنسی و گرفتن پوشش از بدن زنان و دختران وارد عمل گردند.

دختران و زنان را بیارایند و آنها را همراه اجناسِ مورد نیاز سپاه موسی (علیه السلام)، به عنوان خرید و فروش وارد سپاه کنند و سفارش کرد، که هرگاه کسی از سربازان سپاه موسی (علیه السلام) خواست قصد شهوترانی با آنان را کند، مانع او نشوند؛ و گفت اگر یک مرد از آنان (زنا) کند شما را بس است و بر شما پیروز نخواهند شد.

آنها همین کار را انجام دادند و طولی نکشید که عده ای از سپاه موسی با نگاه های هوس آلود خود به بدن نیمه عریان زنان آرایش کرده، رفته رفته در پرتگاه انحراف جنسی قرار گرفتند. کار رسوایی به آن جا کشید که...

دوره ششم، شماره دهم / ۴۵

کم کم بر اثر شهوت پرستی، اراده ها سست شد؛ بیماریهای مقاربتی و طاعون زیاد گردید؛ تا آن جا که نوشته اند: بیست هزار و به قولی هفتاد هزار نفر از سپاه موسی (علیه السلام) به خاک سیاه افتادند<sup>۱</sup>...

این واقعیت تاریخی، فلسفه لزوم پوشش برای زنان را مجسم می کند. این واقعیت را بر اثر عدم پوشش، به صورت گسترده تر و مدرن تر در اجتماعات امروزی می نگریم، که با کمال تأسف بدین وسیله به اقتصاد، فرهنگ، اخلاق، استقلال، شخصیت و همه چیز انسان از پشت خنجر زده

---

۱. بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۷۴ - ۳۷۳، به نقل از کامل التواریخ ابن اثیر.

می شود؛ و افراد اجتماع غافلند که در این مسیر چه امتیازاتی را از دست داده و در چه پرتگاهی قرار می گیرند».

## موقعیت زن در اجتماع

### چند سؤال:

- آیا با آزاد گذاشتن زن به گونه ای که با هر شکل و لباس و کیفیتی در اجتماع ظاهر شود، ارزش اجتماعی او را حفظ کرده ایم؟!
- آیا با استخدام زن در ادارات دولتی، سازمانهای خصوصی و نشانیدن او در محیطهای آموزشی و... در کنار مرد موقعیت اجتماعی اش را به او داده ایم؟!

دوره ششم، شماره دهم / ۴۷

- آیا با نادیده گرفتن مسایل محرم و نامحرم و قرار دادن زن در منظر مردم و اجتماع، ارزش اجتماعی و انسانی زن حفظ شده است؟! - و آیا...

کسی مخالف کار و تلاش زن در اجتماع نیست؛ کسی مخالف باسواد شدن زن نیست؛ کسی مخالف اعلام نظر نمودن زن نیست؛ اصل مسأله این است که جامعه چه دیدی نسبت به زن باید داشته باشد.

با نهایت تأسف باید بگوییم: در عصر حاضر جوامعی که بینش مادیگرایی و شهوت گرایی در آنها حاکم است، زن را از دید شهوت و تجارت همچون کالای تجارتي می بینند. وسیله ای که می تواند،

راهگشای استعمار باشد؛ وسیله ای که فحشا را گسترش می دهد؛ ابزاری که تخدیر کننده اجتماعات است؛ وسیله ای که جوانان پُر استعداد و نابغه را از نبوغ می اندازد و مانع رشد جهان سوم می شود؛ وسیله بازاریابی، فروش کالا و ظرفی برای ارضای شهوت مردها و... می باشد، این دید برای جامعه انسانی و بشری یک فاجعه و مصیبت است و باید عزا بگیرد.

اما دید اسلام این نیست. در دیدگاه اسلام زن و مرد هر دو از روح الهی برخوردارند؛ «و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...»<sup>۱</sup> از روح خودم (که آفریده ام) در انسان دمیدم؛ و آیات دیگری همچون «وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ



دوره ششم، شماره دهم / ۴۹

«الْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ»<sup>۱</sup>؛ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»<sup>۲</sup>؛ «إِنَّ  
أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ»<sup>۳</sup>؛ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ  
تَقْوِيمٍ»<sup>۴</sup>؛ و... درباره زن و مرد، هر دو، نازل شده  
است.

به آیات فوق خوب بنگرید، در تمامی آیات  
نوع انسان مورد نظر است که شامل زن و مرد  
می باشد. آیا زن در اسلام تحقیر شده است، یا  
می تواند با به ظهور رساندن قوای انسانی و رشد  
عقلی و تکامل روحی پا بر فرق طبیعت و مادیت و  
شهوت بگذارد و به افتخارات عالم ملکوت (چون

---

۱. سوره سجده، آیه ۹.

۲. سوره اسراء، آیه ۷۰.

۳. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۴. سوره التین، آیه ۴.

آسیّه، مریم، خدیجه و فاطمه - سلام الله علیهم  
اجمعین -) برسد.

در دیدگاه اسلام، زن یک مربّی است که قادر  
است در دامن عفت و شرف خود جوانان برومند،  
متدین، پاک، خداشناس و خدمتگزار به اجتماع بشری  
تحویل دهد. زن آرام بخش مرد در مشکلات و  
گرفتاری های طاقت فرسای اجتماعی است. به مرد  
نیرو می بخشد و او را برای تلاش بیشتر با اعصابی  
راحت آماده می کند و مرد را به افتخارات بزرگی  
نایل می گرداند. در واقع او به منزله پزشک  
روانکاواست و به دردهای لاعلاج روحی شوهر  
رسیدگی کرده و شربت محبّت و مهربانی و صبر  
می نوشاند.

دوره ششم، شماره دهم / ۵۱

زن در اجتماع، معلّم و مربّی و استاد مدرسه ای است که پایه تعلیمی و تربیتی تمام مدارس و دانشگاهها و تمام سازمانهای اداری و غیره می باشد.

آیا زن یک معلّم برای جامعه انسانی باشد بهتر

است یا ابزاری برای بازاریابی؟

آیا زن یک موجود انسان ساز باشد بهتر است

یا آلتی برای تخدیر جوامع بشری؟

آیا زن با حجاب و با عفت و پرستار خوب و

حافظ کیان جامعه انسانی باشد، بهتر است یا

وسیله ای برای شهوت رانی؟

ای زنان محترم، خداوند متعال به شما اندیشه

داده است بیندیشید و بر اساس عقل انتخاب کنید.

نگذارید برای شما انتخاب کنند.

در پایان به یک آیه و چند حدیث راجع به  
وظایف زنان اشاره می‌کنیم:  
چگونگی بیعت زنان با پیامبر (صلی الله علیه  
وآله):

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى  
أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ  
أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ  
وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَ  
اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ ای پیامبر، آنگاه  
که زنان با ایمان جهت پیمان بستن با تو، به نزدت  
می‌آیند (باید وظایف ذیل را بپذیرند):

دوره ششم، شماره دهم / ۵۳

۱. بر این که نباید چیزی را شریک خدا قرار دهند.

۲. نباید دزدی کنند. (زن باید با اذن شوهر در اموال او تصرف کند و چیزی را بدون اذن او به کسی ندهد و بکار نبرد).

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) درباره حق شوهر بر زن فرمودند:

«...وَأَنْ لَا تُعْطِيَ مِنْ بَيْتِهِ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ لَهُ الْأَجْرُ وَكَانَ عَلَيْهَا أَلْوَزٌ...»<sup>۱</sup>؛ بدون اجازه او چیزی از مال او به کسی ندهد اگر داد ثوابش برای شوهر و گنااهش بر زن است.

و نیز آن حضرت (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «بهترین زنان، زنی است که: وقتی به او بنگری مسرور و خوشحالت کند و آنگاه که فرمان دهی اطاعت کند و خودش را و مالت را در غیابت محفوظ دارد!».

۳ - تن به زنا ندهند. (با عفت باشند و از مقدمات زنا، مانند آرایشی که موجب جلب توجه نامحرمان است نیز جداً پرهیزند). رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرموده اند:

«إِذَا تَطَيَّبَتِ الْمَرْأَةُ لِغَيْرِ زَوْجِهَا فَإِنَّمَا هُوَ نَارٌ وَ شَنَاةٌ»<sup>۲</sup>؛ آن هنگام که زن برای کسی جز شوهر خود

۱. نهج الفصاحة، ص ۳۱۶، شماره ۱۵۰۶.

۲. نهج الفصاحة، ص ۳۶، شماره ۱۸۸.

دوره ششم، شماره دهم / ۵۵

بوی خوش به کار برد، مایه آتش و ننگ و رسوایی فراهم کرده است. (شاید مقصود از «نار» این باشد که زن با این عمل خود شعله شهوت را برمی افروزد و مقدمه زنا را فراهم می کند و احتمال می رود مقصود این باشد که اهل جهنم می گردد و هر دو احتمال بجاست).

قرآن خطاب به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ...»<sup>۱</sup>؛ هنگام تکلم، لطیف و زیبا سخن نگوئید. زیرا به طمع می افتد آن کسی که قلبش مریض (لذت شیطانی و ریه) است.

۴ - فرزندان خویش را به قتل نرسانند. (مسلم)  
 است که هر مادری نسبت به فرزند خویش علاقه  
 شدید دارد و هرگز حاضر نمی شود که جگر  
 گوشه اش را زنده در زیر خروارها خاک پنهان کند  
 اگر چه در برخی از جوامع مانند جاهلیت عرب آن  
 هم به وسیله مردان این کار صورت گرفته است که  
 فرزند دختر را زنده بگور می کردند. ولی این تنها  
 نوع به قتل رساندن نیست بلکه به هلاکت رساندن  
 فرزند، انواع مختلفی دارد که دنیای تجدّد گرای امروز  
 به آن مبتلاست و آن کشتن روح فرزندان در اثر  
 تربیت غلط و به انحراف کشاندن آنان است و دیگر  
 نوع قتل، کورتاژ و سقط جنین است که بسیار معمول  
 شده است.)



دوره ششم، شماره دهم / ۵۷

۵ - تهمت و افترا و دروغ میان دست و پای خود نبندند. (فرزندی که از غیر شوهر است به شوهر نسبت ندهند و فرزندی که او را از شوهرشان دارند و پرورش می دهند به غیر شوهر نسبت ندهند).

۶ - و با تو (ای پیامبر) در احکام و مسایلی که می فرمایی مخالفت نکنند. (همان گونه که مرد وظیفه دارد در تمام امور و شؤونِ زندگی تابع معارف دین و احکام آن باشد، زن نیز باید به چنین تکالیفی تن دهد و از اوامر اسلام سر نیچد و به نواهی آن روی نیاورد بلکه مطیع اسلام باشد). پس (ای پیامبر بر آن شرطها که گفته شد) با آنان بیعت کن و برای این زنان از پیشگاه خداوند طلب مغفرت نما، همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.

پایان